



# مضامین و مفاهیم قرآنی

در دعای سمات

اشرف السادات حسینی میرصفی\*

## چکیده

«سَمَة»، در لغت به معنای علامت و نشانه و جمع آن «سمات» است. <sup>۱</sup> دعای مشهور سمات، دعای «شَبُور»<sup>۲</sup> نیز نامیده می‌شود که واژه‌ای عبری است. «الشَّبْر» در اصل به معنای عطا و بخشش است. <sup>۳</sup> در روایات اهل بیت (ع) بهترین دعا برای لحظات پایانی روز جمعه، دعای سمات و دعای بعد از آن است. <sup>۴</sup> با عنایت به این که راه مکتب اهل بیت (ع)، چنان که از تعلیمات و آموزش‌های آنها استنباط می‌شود، راه قرآن است و قرآن کریم به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه برای این بزرگواران در دعوتِ اِلَى اللّٰهِ و سوق دادن انسان‌ها به صفات و رفتارهای نیکو و تربیت نمودن آنهاست؛ در این مقاله سعی شده تا مفاهیم و مضامین قرآنی دعای سمات با استناد به آیات قرآن کریم استخراج و بیان گردد. کلید واژه: دعا، سمات، مضامین قرآنی.

## مقدمه

یکی از عمیق‌ترین مفاهیم عرفانی آموزه‌های دینی، دعا می‌باشد که در تربیت روحی انسان نقش مؤثری دارد. آن هنگام که قلب انسان برای خداوند خاشع می‌شود، از تصرف

\* . عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب .

و وسوسه‌های شیطان در امان خواهد بود. از امام رضا(ع) نقل شده که همواره به اصحاب خود می‌فرمود: «علیکم بسلاح الأنبياء. فقيل: و ما سلاح الأنبياء؟ قال: الدعاء»<sup>۵</sup>؛ بر شما باد به اسلحه انبیاء. گفتند سلاح انبیاء چیست؟ فرمود: دعا.

انسان در دعا با خدای خود مناجات می‌کند و از مشکلاتی که در زندگی، او را مضطرب ساخته به درگاه الهی پناه می‌برد و در این مناجات از خدواند می‌خواهد که به او کمک کند و او را بر تحمل دشواری‌ها قادر و توانا سازد. دعا، طلب درخواست دانی از عالی است که همراه با خضوع و تضرع است.

دعای سمات یکی از آموزه‌های تربیتی و دینی است که از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) روایت شده است.

دعای سمات در کتب معتبر ادعیه از جمله «مصباح المتهدجد» شیخ طوسی، «جمال الاسبوع» سید بن طاووس، «البلد الامین» و «مصباح کفعمی» و نیز در «بحار الانوار» علامه مجلسی آمده است.

دعای سمات مشتمل بر مضامین و مفاهیم بلند توحیدی است که در چند بخش به آن پرداخته شده است. از جمله اشاره به اسماء و صفات الهی و بیان مصادیق و تجلی این صفات و اسماء در جهان هستی.

عرفای بزرگ و اهل معرفت بسیاری بر خواندن این دعا در عصر جمعه مواظبت می‌کردند. از جمله این بزرگان به عارف بزرگ سید علی قاضی طباطبایی (قدس سره) می‌توان اشاره نمود. وی در شرح دعای سمات ضمن معرفی این دعا چنین می‌نویسد:

این دعای عظیم الشان و بلند مرتبه، موسوم به دعای سمات، چشمه حیات است که آیات روشن و مقام ابراهیم و اسم اعظم الهی و تاج آدم و خاتم سلیمان و حجاب آصف و تخت بلقیس و آنچه که ادريس با آن به مکانی رفیع برده شد، در آن هست. ۶

آموزه‌ها و معارف بلند قرآنی در دعای سمات، ره‌گشای پویندگان راه حق و حقیقت است که در این مقاله به ذکر آنها پرداخته خواهد شد. باشد که توشه راهمان قرار گیرد. إن شاء الله.



شده است .

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (طه، ۲۰/۸)؛ خدا که جز او نیست، نام‌های نیکو

از آن اوست .

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الأعراف، ۷/۱۸۰)؛ و برای خدا، نام‌های نیک است؛ خدا را به آن - نام‌ها - بخوانید! و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند - و بر غیر او می‌نهند، و شریک برایش قائل می‌شوند -، رها سازید! آنها به زودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند، می‌بینند .

و نیز می‌فرماید: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (الأسراء، ۱۷/۱۱۰)؛ بگو: «اللَّهُ» را بخوانید یا «رحمان» را، هر کدام را بخوانید - ذات پاکش یکی است - و برای او بهترین نام‌هاست .

«هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (الحشر، ۲۴/۵۹)؛ او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورت‌گری - بی‌نظیر -؛ برای او نام‌های نیک است؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند؛ و او عزیز و حکیم است .

با برکت بودن اسماء الهی، از مهم‌ترین ویژگی‌های آنهاست و اگر در دعاها، خداوند را با آن نام‌ها بخوانیم، مورد اجابت قرار می‌گیرد. خداوند متعال در سوره «الرحمن» درباره ویژگی اسم پروردگار می‌فرماید: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۵۵/۷۸)؛ پربرکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو .

بیان خصوصیات و ویژگی‌های اسم اعظم الهی در دعای سمات: امام باقر (ع) در ادامه خصوصیات و ویژگی‌های اسم اعظم پروردگار را بیان نموده که عبارتند از:  
ایجاد گشایش و فتح درهای بسته آسمان: «الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لَلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتْحَتْ»؛ همان نامی که هرگاه بخوانندت بدان نام برای گشودن درهای بسته آسمان به رحمت گشوده شود .

ایجاد فرج - برطرف شدن غم و اندوه -<sup>۱۳</sup> و گشایش در تنگناهای زمین: «وَ إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَاتِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لَلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ»؛ و هرگاه بخوانندت بدان نام برای باز شدن

تنگناهای درهای زمین، باز شود.

آسان شدن سختی‌ها و دشواری‌ها: «و اذا دعيت به على العسر ليسر تيسرت»؛ و هرگاه بخواندت بدان نام برای آسان شدن سختی آسان گردد.

زنده شدن مردگان در روز قیامت: «و اذا دعيت به على الأموات للنشور انتشرت»؛ و هرگاه بخواندت بدان نام برای زنده شدن مردگان زنده شود.

برطرف شدن سختی‌ها و تنگناها: «و اذا دعيت به على كشف البأساء و الضراء انكشفت»؛ و هرگاه بخواندت بدان نام برای برطرف شدن دشواری‌ها برطرف گردد.

خداوند متعال در آیه ۶۲ سوره نمل می‌فرماید: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدْكُرُونَ»؛ آیا کسی که دعای مضطرب را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید!

۳. سوگند یاد کردن به صفات جلال و جمال خداوند: در دعای سمات بعد از ذکر ویژگی‌های اسم اعظم الهی، به صفات جلال خداوند تمسک بسته و سوگند یاد می‌کند و آن را عزیزترین و جوه الهی معرفی نموده و می‌فرماید: «و بجلال وجهک الکریم اکرم الوجوه و أعز الوجوه»؛ و سوگند به عظمت ذات بزرگوارترین و عزیزترین ذوات است. «وجه الله»، آن چیزی است که خداوند به وسیله آن به خلقش توجه کرده است. در این دعا، وجه برای اشاره به دو جهت جمال و جلال، یعنی صفت کرامت و عزت است که یکی به رحمت خداوند اشاره دارد و دیگری در نفس مخاطب، رهبت و خشیتی را حاصل می‌کند. ۱۴

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٌ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، ۵۵/۲۶ و ۲۷)؛ همه کسانی که روی آن [زمین] هستند فانی می‌شوند\* و تنها ذات ذو الجلال و کرامی پروردگارت باقی می‌ماند.

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمودند: «هر کسی از شماها که در پیش‌گاه خدا به درخواست و خواهش برخیزد، باید که اول خدای خود را ثنا گوید و با صفات جلال ستایش و تمجید کند». ۱۵

حزن در اثر دو امر در دل آدمی برقرار می‌شود: اول: در نتیجه آگاهی به مقام عظمت

پروردگار متعال و معرفت به صفات جلال و جمال او و درک کبریائی او؛ دوم: در اثر درک صفات عجز و فقر و ذلت در وجود خود و آنچه در حقیقت بندگی هست.

البته شناسایی مقام عبودیت و دیدن عجز و فقر و ذلت در وجود خود پس از معرفت به کبریائی و جلال و عظمت پروردگار عزیز متعال صورت می‌گیرد و سپس در اثر این دو نوع از معرفت، حالت حزن و اندوه استمراری برای او حاصل گشته، و پیوسته خود را در مقام انجام وظائف عبودیت در مقابل پیشگاه عظمت و جلال حق، قاصر و مقصر دیده، و از این لحاظ همیشه محزون و اندوهناک خواهد بود.<sup>۱۶</sup>

۴. بیان صفات الهی: الف: هر چیزی جز خداوند فانی است: خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (القصص، ۲۸/۸۸)؛ معبود دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبودی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات - پاک - او فانی می‌شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

در دعای سمات نیز می‌خوانیم: «الَّذِي عِنْتُ لَهُ الْوَجُوهُ وَخَضَعْتُ لَهُ الرِّقَابَ وَخَشَعْتُ لَهُ الْأَصْوَاتَ وَوَجَلْتُ لَهُ الْقُلُوبَ مِنْ مَخَافَتِكَ»؛ آن که تمام روها در برابرش خوار گشته و گردن‌ها در مقابلش خم شده و صداها از هیبتش خاموش گشته و دل‌ها همه از ترس او هراسان گشته.

ب: قدرت خداوند: قدرت، از صفات الهی است که در دعای سمات به سوگند یاد شده است. حضرت امام باقر (ع) می‌فرماید: «وَبَقْوَتِكَ الَّتِي بِهَا تَمْسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بَازْنِكَ وَتَمْسِكُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أَنْ تَزُولَا»؛ و سوگند به نیرو و قدرتت که بدان آسمان را نگه داشته‌ای از اینکه بر زمین افتد جز به اجازه خودت و نگه داشته‌ای آسمان‌ها و زمین را از این که از جای خود بروند.

خداوند متعال نیز در بسیاری از آیات قرآن کریم ضمن اشاره به قدرت الهی،<sup>۱۷</sup> می‌فرماید: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا» (الطلاق، ۶۵/۱۲)؛ خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آنها را؛ فرمان او در میان آنها پیوسته فرود می‌آید تا بدانید خداوند بر هر چیز تواناست و این که علم او به همه چیز احاطه دارد.

ج: اراده و مشیت الهی: از دیگر صفات خداوند، اراده اوست که در همه امور دنیوی و اخروی ساری و جاری است و در دعای سمات به آن سوگند یاد شده است. آن جا که می فرماید: «و بمشیتک الّتی دان لها العالمون»؛ و سوگند به مشیت و اراده ات که جهانیان در برابرش خوار گشته.

خداوند متعال می فرماید: «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» (طه، ۱۰۹/۲۰)؛ در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

اراده الهی در تمامی امور مشهود است و در قرآن کریم در آیات متعدد<sup>۱۸</sup> به این امر اشاره شده است. خداوند متعال درباره زنده شدن مردگان در روز رستاخیز می فرماید: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (النحل، ۴۰/۱۶)؛ -رستاخیز مردگان برای ما مشکل نیست؛ زیرا - وقتی چیزی را اراده می کنیم، فقط به آن می گوییم: موجود باش. بلافاصله موجود می شود.

و نیز می فرماید: «إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (البقرة، ۱۱۷/۲)؛ و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: موجود باش. و آن، فوری موجود می شود.

د: کلمه الله: کلمه خدا، خلقی است که با آن اراده اش را آشکار می نماید، تمام انبیا و رسل بلکه تمام خلقت، کلمات خداوند سبحان هستند که با آنها از اراده اش پرده برداشته است.<sup>۱۹</sup> در روایات آمده است که اولین چیزی که خداوند خلق کرد، نور پیامبر گرامی اسلام بود و به سبب آن بود که دیگر مخلوقات را نیز آفرید. پیغمبر خدا (ص) فرمودند: «أول ما خلق الله نوری ابتدعه من نوره و اشتقه من جلال عظمته»<sup>۲۰</sup>؛ نخستین چیزی که خداوند آفرید نور من بود که از نور مقدس خودش آن را ایجاد کرد، و از جلال عظمت خودش آن را مشتق نمود.<sup>۲۱</sup>

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (التوبة، ۹/۴۰)؛ و سخن خدا - و آیین او - بالا - و پیروز - است؛ و خداوند عزیز و حکیم است.

در دعای سمات نیز می خوانیم: «و بکلمتک الّتی خلقت بها السموات و الأرض»؛ و به حق آن کلمه ات که آسمان ها و زمین را بدان آفریدی. بنابراین منظور از «کلمه» که در این دعا به آن سوگند یاد نموده، حقیقت «محمدیه (ص)» است که پیش آن چیزی نبود، پس

خداوند آن را خلق کرد و سپس با آن خلقت را انجام داد. ۲۲

ه: حکمت الهی: از جمله صفات کمال ساحت کبریائی، حکمت و اتقان تدبیر و حسن نظام خلقت است که هرگز ذره‌ای بیهوده نبوده است و صفت حکمت از شئون قدرت و علم به صلاح نظام است که در هر فعل و اثر کبریائی به کار رفته است و اساس نظام امکان بر حکمت است بدین جهت نظام خلقت ابدی خواهد بود و هرگز امری بر خلاف اتقان و حکمت رخ نخواهد داد و این به معنای آن نیست که ساحت کبریائی در هر امری نیروی حکمت و صلاح را به کار ببرد و از مبادی تدبیر نظام جهان هرگز صفت حکمت و صلاح نخواهد بود. بلکه صفت حکمت و صلاح و اتقان از لوازم فعل و تدبیر و مترتب بر نظام خلقت خواهد بود، زیرا رعایت حکمت و صلاح در تدبیر و اجرای امور از ساحت کبریائی محال و مستلزم نقص است در صورتی که ساحت او منزله از نقص و امکان است بلکه عقل و خرد بشر از انتظام امور جهان حکم می‌نماید که همه اجزاء نظام بر اصول حکمت و اتقان استوار است. بالاخره صفت حکمت و اتقان و صلاح محصول نظام و حسن تدبیر است نه از مبادی فعل و تدبیر و اجرای امور که نقص را لازم بیاید. ۲۳

بنابراین، حکیم به معنای کسی است که هیچ عملی از وی از جهل و گزاف ناشی نمی‌شود، هر چه انجام می‌دهد از روی علم است و مصالحی را در نظر می‌گیرد. ۲۴ حکیم کسی است که کار را جز به جهت مصلحت انجام نمی‌دهد، بلکه هر کاری صورت می‌دهد به خاطر این است که دارای مصلحتی است که انجام دادنش را بر ندادنش ترجیح می‌دهد. ۲۵

خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا» (ص، ۳۸/۲۷)؛ ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست بیهوده نیافریدیم.

امام باقر(ع) در دعای سمات نیز می‌فرماید: «و بحکمتک التی صنعت بها العجائب»؛ و به حق آن حکمتت که به وسیله آن (موجودات را) شگفت ساختی.

و: خالقیت همراه با حکمت و معرفی مخلوقات خداوند: آفرینش شب از ظلمت و تاریکی و قرار دادن آن برای آرامش یافتن: «و خلقت بها الظلمة و جعلتها لیلًا و جعلت اللیل سکناً»؛ شگفت ساختی و تاریکی را بدان خلق فرمودی و آن را شب قرار دادی و شب را نیز - وقت - آرامش قرار دادی.

در آیات متعدد<sup>۲۶</sup> به آرامش بخشی شب اشاره شده است. به عنوان نمونه به آیه ۹۶



سوره انعام اشاره می شود که خداوند متعال می فرماید: «وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا»؛ و شب را مایه آرامش قرار داده است.

آفرینش روز از نور و روشنایی و قرار دادن آن برای کار و تلاش: خداوند متعال در آیات قرآن کریم بعد از بیان خلقت شب، به آفرینش روز اشاره می کند و در آیات متعدد از آن به عنوان زمان تلاش و کوشش و کسب روزی یاد می نماید و می فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (القصص، ۷۳/۲۸)؛ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را به جا آورید.

و نیز می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (یونس، ۶۷/۱۰)؛ او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛ و روز را روشنی بخش - تا به تلاش زندگی پردازید - در اینها نشانه هایی است برای کسانی که گوش شنوا دارند.

در دعای سمات نیز می خوانیم: «و خلقت بها النور و جعلته نهاراً و جعلت النهار نشوراً مبصراً»؛ و نور و روشنی را بدان آفریدی و روزش قرار دادی و روز را هم - هنگام کار و - جنبش و مایه بینش قرار دادی.

آفرینش خورشید و قرار دادن آن به عنوان روشنایی: خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً» (یونس، ۵/۱۰)؛ او کسی است که خورشید را روشنایی قرار داد. امام (ع) در دعای سمات می فرماید: «و خلقت بها الشمس و جعلت الشمس ضياءً»؛ و بدان خورشید را آفریدی و خورشید را نیز فروزان کردی.

آفرینش ماه و قرار دادن آن به عنوان نور: خداوند متعال می فرماید: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (یونس، ۵/۱۰)؛ او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد.

امام (ع) در دعای سمات می فرماید: «و خلقت بها القمر و جعلت القمر نوراً»؛ و بدان ماه را خلق کردی و آن را نور و روشنایی قرارش دادی.

آفرینش ستارگان و قرار دادن آنها به عنوان نجوم، روشنایی، بروج، زینت و دفع شیاطین: خداوند ستارگان را زینت آسمان ها معرفی می کند و می فرماید: «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ

الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (الصافات، ۳۷/۶)؛ ما آسمان نزدیک [پایین] را با ستارگان آراستیم .  
خداوند متعال نجوم را برای راهیابی و هدایت شدن در تاریکی های خشکی و دریا  
قرار داده است و در این باره می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ  
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (الانعام، ۹۷/۶)؛ او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکی های  
خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید!

و نیز می فرماید: «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا»  
(الفرقان، ۲۵/۶۱)؛ جاودان و پربرکت است آن - خدایی - که در آسمان منزلگاه هایی برای  
ستارگان قرار داد؛ و در میان آن، چراغ روشن و ماه تابانی آفرید .

همچنین کواکب وسیله ای برای دفع شیاطین هستند . خداوند متعال در این باره  
می فرماید: «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ» (الملک، ۵/۶۷)؛ ما  
آسمان پایین - نزدیک - را با چراغ های فروزانی زینت بخشیدیم، و آنها [شهاب ها] را تیرهایی  
برای شیاطین قرار دادیم .

در دعای سمات نیز آمده است که: «و خلقت بها الكواكب وجعلتها نجومًا وبروجًا  
و مصابيح و زينة و رجوماً»؛ و بدان ستارگان را آفریدی و قرارشان دادی اخترانی تابناک و  
برج ها و چراغ هایی و زیور بخش آسمان و وسیله راندن - شیاطین - .

قرار دادن مشرق ها و مغرب ها برای آسمان و زمین: در قرآن به پروردگار مشارق و  
مغرب سوگند یاد کرده و می فرماید: «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ» (المعارج، ۴۰/۷۰)؛  
سوگند به پروردگار مشرق ها و مغرب ها .

و در دعای سمات نیز به مشارق و مغارب آسمان ها و زمین اشاره شد و چنین آمده  
است که: «وجعلت لها مشارق و مغارب»؛ و قرار دادی برای آنها خاورها و باخترها .  
قرار دادن محل حرکت برای خورشید و ماه: خداوند می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ  
وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (الانبیاء، ۲۱/۳۳)؛ او کسی است که شب و  
روز و خورشید و ماه را آفرید؛ هر یک در مداری در حرکت اند .

و در جای دیگر می فرماید:

«لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ»  
(یس، ۳۶/۴۰)؛ نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می گیرد؛ و هر

کدام در مسیر خود شناورند .

امام باقر(ع) نیز در دعای سمات به آن اشاره کرده و می فرماید: «و جعلت لها مطالع و مجاری و جعلت لها فلکاً و مسابح و قدرتها فی السماء منازل فاحسنت تقدیرها و صورتها فاحسنت تصویرها»؛ و نیز برایش طلوع گاه ها و گردشگاه ها مقرر ساختی و برای هر یک از آنها مدار حرکت و شناگاهی قرار دادی و روی اندازه های معین در آسمان منزلشان دادی و به خوبی اندازه گرفتی و صورتشان دادی و نیکو صورتشان دادی .

خداوند متعال می فرماید: ما هر چیزی را در کتابی آشکار کننده برشمرده و ثبت نمودیم: «وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲/۳۶)؛ و همه چیز را در کتاب آشکار کننده ای برشمرده ایم .

این آیات به قسمت هایی از آیات عظمت خدا در جهان آفرینش اشاره نموده است که برطرف کننده نیازهای انسانها هستند . از آثار مفید وجود ماه این است که خداوند منزلگاه هایی مقدر کرده تا شماره سال ها و حساب زندگی و کار خویش را بدانید . دگرگونی هایی که در ماه ایجاد می شود عبث و بیهوده نیست ، بلکه یک تقویم بسیار دقیق و زنده طبیعی است که عالم و جاهل می توانند آن را بخوانند و حساب تاریخ کارها و امور زندگی خود را نگه دارند و این علاوه بر نوری است که ماه به ما می بخشد . خداوند متعال در این آیات می فرماید که این آفرینش و این گردش مهر و ماه سرسری و از بهر بازیگری نیست و خداوند آن را نیافریده است مگر به حق و خدا آیات و نشانه های خود را برای آنها که می فهمند و درک می کنند ، شرح می دهد اما بی خبران بی بصر چه بسیار از کنار همه این آیات و نشانه های پروردگار می گذرند و کمترین چیزی از آن درک نمی کنند .

نه تنها خود آسمان ها و زمین از آیات خداست بلکه تمام ذرات موجوداتی که در آنها وجود دارند هر یک آیتی و نشانه ای محسوب می شوند ، اما تنها کسانی آنها را درک می کنند که در پرتو تقوا و پرهیز از گناه ، صفای روح و روشن بینی یافته و می توانند چهره حقیقت و جمال یار را ببینند . ۲۷

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (یونس، ۵/۱۰)؛ او کسی است که خورشید را روشنایی ، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه هایی مقدر کرد ، تا عدد سال ها و



اسباب احاطه ندارد و زمام جهان هستی به دست مشیت الهی است و اوست که بر همه علل و اسباب حاکمیت دارد، لذا علل و اسباب مقهور مشیت الهی می باشند و اعتماد انسان به اسباب ظاهری دنیا، موجب غفلت از حقیقت وجودی حق تعالی می گردد.

متوسل شدن در دعا به برخی از مقربین درگاه الهی از شیوه های دعای ائمه معصومین (ع) است که در آیات قرآن کریم نیز به آن تأکید شده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (المائدة، ۳۵/۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از- مخالفت فرمان- خدا بپرهیزید. و وسیله ای برای تقرب به او بجویید. و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

بنابراین توسل به اسمای حسناى الهی و به پیامبران و نیز اهل بیت (ع) از جمله وسائل تقرب به خدا در ادعیه است. توسل در اصطلاح به معنای آن است که بنده در محضر خدای تعالی چیزی را تقدیم کند که آن وسیله ای برای پذیرش دعایش و اجابت خواسته اش باشد. در آیات قرآن کریم به مؤمنان امر شده که اسمای الهی را بخوانند. خداوند متعال در این خصوص می فرماید: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (الاعراف، ۱۸۰/۷)؛ و برای خدا، نام های نیک است؛ خدا را به آن- نام ها- بخوانید. و کسانی را که در اسماء خدا تحریف می کنند- و بر غیر او می نهند، و شریک برایش قائل می شوند- رها سازید. آنها به زودی جزای اعمالی را که انجام می دادند، می بینند.

۷. معرفی انبیای الهی در دعای سمات: الف: بیان چگونگی وحی الهی به انبیاء (ع):  
خداوند در آیه ۵۱ سوره شوری درباره نحوه وحی به انبیا می فرماید: «وَمَا كَانَ لَبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِي بآذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ»؛ و شایسته هیچ انسانی نیست که خدا با او سخن گوید، مگر از راه وحی یا از پشت حجاب، یا رسولی می فرستد و به فرمان او آنچه را بخواهد وحی می کند؛ چرا که او بلند مقام و حکیم است.  
امام باقر (ع) ضمن متوسل شدن به انبیای الهی، چگونگی وحی به ایشان را بیان نموده و همه انبیا را به عنوان بنده و فرستاده خداوند معرفی می نماید.

حضرت موسی (ع)، کلیم الله و تجلی خداوند بر وی از وراء حجاب: «و اسئلك اللهم بمجدك الذى كلمت به عبدك و رسولك موسى بن عمران عليه السلام فى المقدسين فوق

احساس الکروبین فوق غمائم النور فوق تابوت الشهادة فی عمود النار و فی طور سیناء و فی جبل حوریت فی الواد المقدس فی البقعة المبارکة من جانب الطور الایمن من الشجرة و فی ارض مصر بتسع آیات بینات»؛ و از تو می خواهم خدایا به حق آن بزرگواری و مجدت که سخن گفتی بدان با بنده و فرستاده ات موسی بن عمران (ع) در میان قدسیان برتر از احساس کروبیان بالاتر از ابرهای نور و بالاتر از صندوق شهادت که در میان ستونی از آتش - بود - و هم در طور سیناء و در کوه حوریت در وادی مقدس در بقعه مبارک از جانب راست کوه طور از درخت و در سرزمین مصر .

خداوند متعال در مورد سخن گفتن با حضرت موسی (ع) می فرماید: «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (النساء، ۴/۱۶۴)؛ و خداوند با موسی سخن گفت .  
و در جای دیگر می فرماید: «مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ» (البقرة، ۲/۲۵۳)؛ برخی از آنها، خدا با او سخن می فرمود .

خداوند در مورد میقات حضرت موسی (ع) می فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنْ نُنظِرُكَ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (الاعراف، ۷/۱۴۳)؛ و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم . گفت: هرگز مرا نخواهی دید ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید . اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد . چون به هوش آمد، عرض کرد: خداوندا منزهی تو - از این که با چشم تو را ببینم - من به سوی تو بازگشتم . و من نخستین مؤمنانم .

امام باقر (ع) در تفسیر آیه: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (البقرة، ۲/۲۴۸)؛ می فرماید: تابوتی که نشانه پادشاهی طالوت بود، همان صندوقی بود که خداوند آن را برای به آب انداختن موسی بر مادر او نازل کرد و بنی اسرائیل به واسطه آن تبرک می جستند، اما چون هنگام مرگ موسی (ع) فرارسید او الواح تورات را در آن صندوق قرار داد و همه آیات نبوت خود و زره خود را در آن نهاد و آن را به وصی خود یوشع سپرد و

آن تابوت در میان بنی اسرائیل بود و آنها غرق در عزت و شرافت بودند تا وقتی که قدر و ارزش آن را خوار شمرده و کودکان در کوچه‌ها با آن بازی می‌کردند، و بنی اسرائیل نیز مرتکب گناهان و معاصی شدند، آن‌گاه خداوند آن صندوق را از میان آنها به آسمان بالا برد و از نظرشان مخفی شد و از آن به بعد بنی اسرائیل دچار سختی و ذلت گشتند. ۲۸

حضرت ابراهیم (ع) و وحی بر وی در مسجد خیف: از امام صادق (ع) پرسیدند که ابراهیم (ع) در کجا اراده کرد تا پسرش را ذبح کند؟ امام فرمود: در جمره وسطی؛ و چون ابراهیم تصمیم گرفت تا پسرش را ذبح کند، جبرئیل (ع) کارد را بگرداند، و قوچ را از طرف شیر - نام کوهی است در مکه - بدان سوی کشید، و پسر را از زیر دست ابراهیم برآورد، و قوچ را به جای پسر قرار داد، و از طرف مسجد خیف ابراهیم را ندا دادند: که ای ابراهیم به راستی که آن رؤیا را تحقق بخشیدی، زیرا که ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم، به راستی که این آزمایش که ما ابراهیم و فرزندش را با آن آزمودیم هر آینه آزمایشی است که حقیقت ایمان آن دو را آشکار ساخت، و ما او را به وسیله مذبحی عظیم نجات دادیم. ۲۹

در دعای سمات است که: «و لَإِبْرَاهِيمَ (ع) خَلِيلِكَ مِنْ قَبْلِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ»؛ و پیش از آن نیز برای ابراهیم (ع) خلیل خود در مسجد خیف - تجلی کردی. - حضرت اسحاق (ع) و وحی بر وی در بئر شیع: خداوند در آیات قرآن کریم به وحی الهی به انبیا اشاره نموده و می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْإِسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا» (النساء، ۱۶۳/۴)؛ ما به تو وحی فرستادیم؛ همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم؛ و - نیز - به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [بنی اسرائیل] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داوود زبور دادیم.

در دعای سمات می‌خوانیم: «و لَإِسْحَاقَ صَفِيكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بئر شَيْع»؛ و برای اسحاق برگزیده ات (ع) در بئر شیع - تجلی کردی. -

حضرت یعقوب (ع) و وحی بر وی در بیت ایل: از حضرت ابی عبد الله (ع) نقل شده که آن جناب فرمودند: یعقوب همان اسرائیل بود و معنای اسرائیل عبد الله است، زیرا کلمه «اسرا» یعنی عبد و «ایل» یعنی الله عزوجل است. و در خبر دیگر آمده «اسرا» یعنی قوت و «ایل» یعنی الله عزوجل پس معنای «اسرائیل» قوه الله عزوجل می‌باشد. ۳۰

خداوند درباره پیامبری حضرت اسحاق (ع) می فرماید: «فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا» (مریم، ۴۹/۱۹)؛ هنگامی که از آنان و آنچه غیر خدا می پرستیدند کناره گیری کرد، ما اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ و هر یک را پیامبری - بزرگ - قرار دادیم .

در دعای سمات است که: «و ليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل»؛ و برای یعقوب پیامبر (ع) در بیت ایل - خانه خدا - تجلی کردی .

خداوند متعال می فرماید: «وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (العنكبوت، ۲۹/۲۷)؛ و - در اواخر عمر - اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است .

ب: بیان معجزات انبیا و اعتقاد و ایمان قلبی نسبت به آنها: معجزات حضرت موسی (ع): «بتسع آيات بينات و يوم فرقت لبنى اسرائيل البحر و فى المنبجسات التى صنعت بها العجائب فى بحر سوف و عقدت ماء البحر فى قلب الغمر كالحجارة و جاوزت بينى اسرائيل البحر و تمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا و اورثتهم مشارق الارض و مغاربها التى باركت فيها للعالمين و اغرقت فرعون و جنوده و مراكبه فى اليم»؛ با نه معجزه آشکار - به مجد و بزرگواریت در - روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی و نیز در - روز - چشمه های جوشیده و جاری - از سنگ - که از آن عجایی ساختی در دریای سوف و در دل آن دریای عظیم آب آن دریا را مانند سنگ منجمد کرده و بستی و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادی و وعده نیکویت را به خاطر صبری که کردند بر ایشان تمام کردی و آنان را بر شرق و غرب سرزمینی که برای جهانیان مبارک گردانده بودی وارث و مالک کردی و فرعون و سپاهیان را با مرکب هاشان در دریا غرق کردی .

برخی از آیاتی که در قرآن کریم به معجزات حضرت موسی (ع) اشاره دارد عبارتند از: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» (الأساء، ۱۷/۱۰۱)؛ ما به موسی نه معجزه روشن دادیم . و «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (البقرة، ۲/۶۰)؛ و - به یاد آورید - زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: عصای



خود را بر آن سنگ مخصوص بزن. ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک - از طوایف دوازده گانه بنی اسرائیل - چشمه مخصوص خود را می شناختند.. و گفتیم: از روزی های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید.

ج: بیان صفت های پیامبران الهی: در دعای سمات به صفات بارز و معروف انبیا اشاره نموده و می فرماید: حضرت ابراهیم (ع)، خلیل الله «برکاتک التی بارکت فیها علی ابراهیم خلیلک علیه السلام فی امة محمد صلی الله علیه و آله»؛ برکت دادی در آنها بر ابراهیم خلیل (ع) در میان امت محمد (ص) - بخاطر ارتباطی که میان رسول خدا (ص) و ابراهیم برقرار ساختی - . خداوند متعال می فرماید: «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا» (النساء، ۴/۱۲۵)؛ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.

حضرت اسحاق (ع)، صفی الله: «و بارکت لاسحق صفیك فی امة عیسی علیهما السلام»؛ و برکت دادی بر اسحاق برگزیده ات در میان امت عیسی (ع).  
خداوند متعال می فرماید: «وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُنَبِّئُكَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (یوسف، ۶/۱۲)؛ و این گونه پروردگارت تو را برمی گزیند؛ و از تعبیر خواب ها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدران ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است.  
حضرت یعقوب (ع)، اسرائیل: «و بارکت ليعقوب اسرائیلک فی امة موسى علیهم السلام»؛ و برکت دادی بر یعقوب اسرائیل در امت موسی (ع).

خداوند متعال می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا» (مریم، ۵۸/۱۹)؛ آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می شد به خاک می افتادند، در حالی که سجده می کردند و گریان بودند.

حضرت محمد (ص)، حبیب الله: «و بارکت لحيبيك محمد صلی الله علیه و آله فی عترته و ذریته و ائمه»؛ و برکت دادی بر حبیب محمد (ص) در عترت و فرزندان و امتش.

خداوند متعال می فرماید: «وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ» (الاسراء، ۱۷/ ۵۵)؛ ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم.

قرآن می گوید: این جای تعجب نیست خداوند از ارزش انسانی هر کس آگاه است و پیامبران خود را از میان همین توده مردم برگزیده و بعضی را بر بعضی فضیلت و برتری داده، یکی را به عنوان خلیل الهی مفتخر ساخت، دیگری را کلیم الله، و دیگری را روح الله قرار داد، پیامبر اسلام (ص) را به عنوان حبیب الله برگزید و خلاصه بعضی را بر بعضی فضیلت بخشید، طبق موازینی که خودش می داند و حکمتش اقتضا می کند. <sup>۳۱</sup> سیوطی در تفسیر الدر المنثور می نویسد: ابراهیم «خلیل الله» است و محمد، «حبیب الله». <sup>۳۲</sup> پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «أدخلت الجنة فرأيت علي بابها مكتوباً بالذهب لا إله إلا الله محمد حبیب الله على ولى الله فاطمة أمة الله الحسن و الحسين صفوة الله على مبغضیهم لعنة الله» <sup>۳۳</sup>. لذا خداوند بر پیامبر اسلام (ص) تأکید می نماید که او را رحمة للعالمین فرستاده است. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (الانبیاء، ۲۱/ ۱۰۷)؛ ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

د: اشاره به مکان وحی بر انبیای الهی و مکان عبادت ایشان: امام رضا (ع) فرمود در مناظره با رأس الجالوت فرمود: ظهور نور در «طور سیناء» وحی خداوند به موسی بن عمران است، و روشنی «کوه ساعیر» مقصود وحی پروردگار برای عیسی بن مریم است، و اما «جبل فاران» مقصود یکی از کوه های اطراف مکه است که حضرت رسول در آن جا به رسالت مبعوث شد. <sup>۳۴</sup> در دعای سمات نیز به این اماکن و تجلی خداوند بر انبیای عظام اشاره شده است، آن جا که می فرماید:

الف: «الذی ظهر علی طور سیناء» <sup>۳۵</sup>؛ مکان عبادت حضرت موسی (ع) و سخن گفتن خدا با حضرت و وحی خداوند.

ب: «بطلعتک فی ساعیر» <sup>۳۶</sup>، مکان عبادت حضرت عیسی (ع) و وحی خدا.

ج: «او ظهورک فی جبل فاران» <sup>۳۷</sup>؛ مکان عبادت حضرت محمد (ص) و وحی خدا.

۸. استغفار و طلب آمرزش از گناهان در دعای سمات: معانی و مفاهیم دعا در قرآن متعدد است که با توجه به آیاتی که در این زمینه نازل شده است مفاهیمی چون: استمداد و یاری خواستن، <sup>۳۸</sup> خواندن با صدای بلند، <sup>۳۹</sup> قول و گفتار، <sup>۴۰</sup> نام نهادن <sup>۴۱</sup> و استغفار و

طلب آمرزش از گناهان و استغاثه به درگاه الهی<sup>۴۲</sup> را می توان نام برد.

گناهان موجب بسته شدن در آسمان و زمین می شود و سبب سلب برخی از نعمت های الهی است. خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ» (الاعراف، ۷/۴۰)؛ کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و در برابر آن تکبر ورزیدند، - هرگز - درهای آسمان به رویشان گشوده نمی شود.

طبق سنت الهی طلب آمرزش از گناهان و توبه، موجب نزول رحمت الهی می شود. حضرت هود<sup>(ع)</sup> به قومش می فرماید:

«وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود، ۱۱/۵۲)؛ و ای قوم من، از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا - باران - آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید، و گنه کارانه، روی - از حق - بر نتابید.

حضرت علی<sup>(ع)</sup> نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَحَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَإِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَيَقْلَعَ مَقْلَعٌ وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ وَيُزْجَرَ مُزْجَرٌ وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ الْإِسْتِغْفَارَ سَبِيلًا لِدُرُورِ الرِّزْقِ وَرَحْمَةً الْخَلْقِ فَقَالَ سَبْحَانَهُ: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» \*يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا\* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، ۷۱/۱۰-۱۲)؛ فرحم الله امرأ استقبل توبته و استقبال خطیئته و بادر منيته<sup>۴۳</sup>. خدا، بندگان خود را به کیفر کارهای زشت آنان، مبتلا سازد به کاهش میوه درختان، و به ناباریدن باران، و بستن گنجینه های خیر به روی ایشان، تا توبه کننده، توبه کند، و معصیت کار، دل از معصیت بکند، و پند گیرنده، پند پذیرد، و بازدارنده، راه نافرمانی را بر بندگان بگیرد. و خدا آمرزش خواستن را وسیله پیوسته داشتن روزی بر روزی خواران قرار داده است، و موجب رحمت برآفریدگان، و فرموده است: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» \*يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا\* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ پس خدا بیمارزد کسی را که پیشباز توبه رود، و از گناهانش بخشش طلبد، پیش از آنکه مرگش برسد.

در دعای سمات، متوسل شدن به درگاه الهی و ذکر نام خداوند موجب پاک شدن از گناه شده و این امر در ایجاد فتح ابواب آسمان و گشایش و فرج در زمین، انسان را یاری و



من از روزی حلال است. «و ان ترزقنی خیر الدنیا والآخره»؛ و این که روزی من گردانی خیر دنیا و آخرت را.

حضرت ابراهیم (ع) بعد از این که حضرت اسماعیل و هاجر (ع) را به سرزمین مکه که در آن روز یک سرزمین خشک و خاموش و فاقد همه چیز بود آورد، و در آن جا گذارد، و با آنها خدا حافظی کرد و رفت، برای ایشان دعا کرد<sup>۴۴</sup> و فرمود: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم، ۱۴/۳۷)؛ پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ» (البقرة، ۲/۱۲۶)؛ و- به یاد آورید- هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده. و اهل آن را- آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات- گوناگون-، روزی ده. گفت:- ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم- اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آنها را به عذاب آتش می کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند.

در تفسیر المیزان در ذیل این آیه آمده است که: این آیه حکایت از دعائی است که ابراهیم (ع) کرد، و از پروردگارش درخواست نمود که به اهل مکه امنیت و رزق ارزانی بدارد، و خداوند دعایش را مستجاب کرد، چون خدا بزرگ تر از آن است که در کلام حقش دعائی را نقل کند، که مستجاب نکرده باشد.

علامه طباطبایی در ادامه چنین می نویسد:

خدای سبحان در قرآن کریمش از این پیامبر کریم دعاهای بسیاری نقل کرده، که در آن ادعیه از پروردگارش حوائجی درخواست نمود، مانند دعایی که در آغاز امر برای خودش کرد، و دعائی که هنگام مهاجرتش به سوریا کرد، و دعائی که در خصوص بقاء ذکر خیرش در عالم کرد، و دعائی که برای خودش و ذریه اش و پدر و مادرش و برای مؤمنین و مؤمنات کرد، و دعائی که بعد از بنای کعبه برای اهل مکه کرد، و از خدا خواست تا پیامبران را از

ذریه او برگزیند، و از همین دعاهایش و درخواست هایش است که آمال و آرزوهایش و ارزش مجاهدت ها و مساعیش در راه خدا، و نیز فضائل نفس مقدسش، و سخن کوتاه موقعیت و قربش به خدای عزّ اسمّه شناخته می شود، و همچنین از سراسر داستان هایش، و مدائحی که خدا از او کرده، می توان شرح زندگی آن جناب را استنباط کرد. ۴۵

۱۰. درخواست دفع شرّ و بدی: «واکفنی مؤنة انسان سوء و جار سوء و قرین سوء و سلطان سوء انک علی ما تشاء قدیر و بکل شیء علیم»؛ و مرا از زحمت و شر انسان بد و همسایه بد و رفیق بد و سلطان بد کفایت فرما که تو بر هر چیز توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.

در دعای بیست و دوم از دعاهای امام سجاد(ع) در هنگام سختی و رنج و کارهای دشوار آمده است که می فرماید: «واجعلنی ممّن یدعوک مخلصاً فی الرّحاء دعاء المخلصین المضطّربین لک فی الدّعاء، انک حمید مجید»<sup>۴۶</sup>. و مرا از کسانی قرار ده که تو را هنگام خوشی از روی اخلاص - بی خود نمائی - می خوانند مانند کسانی که از روی اخلاص هنگام اضطراب و بیچارگی در دعاء از تو درخواست می نمایند، زیرا تو - در هر حال - ستوده شده و بزرگی. حضرت یعقوب(ع) می فرماید: «قال إنّما أشکُو بئني وحرزني إلى الله وأعلم من الله ما لا تعلمون» (یوسف، ۱۲/۸۶)؛ گفت: من غم و اندوهم را تنها به خدا می گویم - و شکایت نزد او می برم! - و از خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید.

در آیات قرآن کریم نیز دعای افرادی که از خداوند متعال درخواست نجات از قوم ظالم را داشته اند، آمده است. ۴۷ به طور مثال حضرت آسیه(س)، همسر فرعون، یکی از این افراد است. خداوند متعال در این خصوص می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَبَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَبَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (التحریم، ۱۱/۶۶)؛ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا، خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

در دعای سمات دفع شرّ و بدی از برادرانی ایمانی مورد توجه قرار گرفته و در این خصوص می فرماید: «وانتقم لی ممّن یکیدنی و ممّن یبغی علیّ و یرید بی و بأهلی و اولادی و اخوانی و جیرانی و قراباتی من المؤمنین و المؤمنات ظلماً انک علی ما تشاء قدیر

و بكل شیء علمین رب العالمین»؛ و از کسی که به من نیرنگ زند و بر من ستم کند و قصد ظلم به من و به خاندان و فرزندان و همسایگان و نزدیکان من از مردان مؤمن و زنان مؤمنه را دارد، انتقام مرا بگیر که تو بر هر چه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرمای پروردگار جهانیان.

۱۱. توجه به جنبه همگانی بودن طلب مغفرت: طلب مغفرت برای مؤمنان از جمله روش های دعا انبیا و اولیای الهی است که هیچ گاه آنها را از یاد نمی برند؛ چرا که دعای برای برادران ایمانی موجب تقویت روحیه ایمان در میان افراد می گردد.

در دعا نباید شخص، خودش را به تنهایی ببیند و فقط برای خودش دعا کند، بلکه باید دیگران را نیز در دعای خود و طلب خیر از خداوند سهیم نماید؛ چرا که این امر به استجاب دعا کمک می کند. بنابراین ایمان وسیله ای برای ارتباط با خداوند است که دعا موجب نزول رحمت الهی برای مؤمنان است و در آیات قرآن کریم نیز به آن اشاره شده و این امر نشان دهنده توجه خداوند به انسان مؤمن است. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» (المائدة، ۹/۵)؛ خداوند، به آنها که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است. «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَاخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (الأعراف، ۱۵۱/۷)؛ -موسی- گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خود داخل فرما، و تو مهربان ترین مهربانانی.

طلب مغفرت برای مردان و زنان مؤمن در کنار طلب آمرزش برای گناهان گذشته و آینده، از جمله آموزش های دعای سمات است. «وَاعْفِرْ لِي مَنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوَالِدِي وَ لَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»؛ و بیامرز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه از این پس سرزند و بیامرز پدر و مادرم را و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه را.

بنابراین در دعای سمات به دعا کردن در حق همه افراد و توجه به جنبه همگانی بودن دعا مد نظر قرار گرفته و به این امر تأکید شده است به گونه ای که حضرت امام باقر (ع) در پایان دعا برای همه افراد در هر حالتی که هستند و متناسب با نیاز و احتیاج ایشان، طلب و درخواست نموده و دعا می کند و می فرماید: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ وَ الْكِرَامَةِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ

مسافری المؤمنین و المؤمنات بالردّ الی اوطانهم سالمین غانمین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلّی اللّٰه علی سیدنا محمد خاتم النبیین و عترته الطاهرین و سلّم تسلیماً کثیراً؛ خدایا، به حق این دعاء بر - همه اهل ایمان - تفضل کن - اما - بر فقراى مؤمنین و مؤمنات به ثروت و توانگری، و بر بیماران از مؤمنین و مؤمنات به شفاء و تندرستی، و بر زندگان مؤمنین و مؤمنات به لطف و بزرگواری، و بر مردگان مؤمنین و مؤمنات به آمرزش و رحمت، و بر مسافرین مؤمنین و مؤمنات به بازگشتن به سوی وطن‌های خویش به سلامتی و بهره‌مندی، به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان و درود فرستد خداوند بر آقای ما محمد خاتم پیمبران و عترت پاکیزه اش و سلام فرستد بسیار.

### نتیجه گیری

در پایان متذکر می شویم که ستایش از آن خدایی است که توفیق شناخت حمد خود را از بندگانش دریغ نکرد و به انسان آموخت تا در برابر نعمت‌های پیاپی او حمد و ثنا کنند. از ادعیه پیامبران که در قرآن کریم است و نیز دعا‌های ائمه معصومین (ع) که از طریق روایت به ما رسیده است، می آموزیم که انسانیت در گرو عبودیت، سپاس و ستایش از حق تعالی است.

با توجه به این که هدف ارسال رسل و اکمال دین، تکامل روحی و معنوی انسان و برخوردارى او از جوار رحمت الهی است؛ لذا دعا به عنوان یکی از ابزارهای رساندن انسان به این هدف از جمله محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند متعال است. حضرت علی (ع) می فرماید: «أحبّ الأعمال إلى الله فی الأرض الدعاء»<sup>۴۸</sup>؛ محبوب‌ترین کارها در روی زمین، نزد خداوند متعال، دعا است.

خلوص نیت و اظهار بندگی و اعتراف به عبودیت و توسل و اعتماد به خداوند از آداب دعا به درگاه الهی و شرط استجاب دعا است که در تمامی فقرات ادعیه انبیا و اولیای الهی شاهد آن هستیم و این مسائل را به ما می آموزند. دعا خطاب قلبی و اظهار عجز باطنی و ذاتی به پیشگاه حق است. لذا باید همه عواطف و امیال باطنی برای خدا جهت دهی گردد.



۱. المصباح المنیر، ۲/ ۶۶۰.
۲. شبور، در لغت به معنای بوق و سرنا است؛ مجمع البحرین، ۳/ ۳۴۱.
۳. العین، ۶/ ۲۵۸؛ لسان العرب، ۴/ ۳۹۲.
۴. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز/ ۲۲۰؛ آیین بندگی و نیایش/ ۹۷.
۵. الکافی، ۲/ ۴۶۸.
۶. شرح دعای سمات، مترجم: هیأت تحریریه مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس، ۲۴.
۷. ترجمه جلد هفتم بحار الانوار (بخش امامت)، ۵/ ۱۹.
۸. تحف العقول/ ۴۶۱؛ نور الثقلین، ۱/ ۸؛ مجمع البیان، ۱۸/ ۱؛ بحار الانوار، ۹۲/ ۲۲۳، به نقل از الحکم الزاهرة/ ۲۶۳.
۹. قال رسول الله (ص): «اسم الله الاعظم فی ست آیات من آخر الحشر». بحار الانوار، ۹۰/ ۲۲۴.
۱۰. قال رسول الله (ص): «اسم الله الاعظم الذي اذا دعی به اجاب فی سور ثلاث فی البقرة و آل عمران و طه». قال ابو امامة: فی البقرة آية الكرسي، و فی آل عمران: «الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم»، و فی طه: «و عنت الوجوه للحي القيوم»، بحار الانوار، ۹۰/ ۲۲۴.
۱۱. آیین بندگی و نیایش/ ۸۷.
۱۲. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز/ ۵۷.
۱۳. المفردات، ۱/ ۶۲۸.
۱۴. شرح دعای سمات/ ۳۶.
۱۵. گزیده کافی، ۱/ ۳۱۱.
۱۶. مصباح الشریعة/ ۴۲۰.
۱۷. بقره/ ۲۰ و ۱۰۹ و ۱۴۸؛ آل عمران/ ۱۶۵؛ نحل/ ۷۷؛ نور/ ۴۵؛ عنکبوت/ ۲۰؛ فاطر/ ۱.
۱۸. آل عمران/ ۴۷؛ انعام/ ۷۳؛ مریم/ ۳۵؛ یس/ ۸۲؛ غافر/ ۶۸ و....
۱۹. شرح دعای سمات/ ۴۱-۴۰.
۲۰. بحار الأنوار، ۲۲/ ۲۵.
۲۱. سنن النبی (ص)/ ترجمه محمد هادی فقهی/ ۳۸۶.
۲۲. شرح دعای سمات/ ۴۱.
۲۳. درخشان پرتوی از اصول کافی، ۳/ ۲۷۸-۲۷۹.
۲۴. المیزان، ۱۹/ ۵۳۱.
۲۵. همان، ۱۴/ ۴۰۵.
۲۶. غافر، ۴۰/ ۶۱؛ یونس، ۱۰/ ۶۷؛ النمل، ۲۷/ ۸۶.
۲۷. تفسیر نمونه، ۸/ ۲۲۵-۲۲۶.
۲۸. النور المبین فی قصص الأنبياء و المرسلین/ ۳۳۱.
۲۹. من لا يحضره الفقيه، ترجمه علی اکبر غفاری، ۳/ ۵۲-۵۳.
۳۰. علل الشرائع، ترجمه ذهنی تهرانی، ۱/ ۱۶۷.
۳۱. تفسیر نمونه، ۱۲/ ۱۶۱.
۳۲. الدر المثور، ۲/ ۲۳۰.
۳۳. بحار الأنوار، ۲۷/ ۳.
۳۴. عیون أخبار الرضا(ع)، ۱/ ۱۶۵.
۳۵. طور، کوهی است که ایزد تعالی با موسی (ع) مناجات کرد و آن جا آتش و نور دید که بر اثر آن برفت و پیغامبری یافت. لغت نامه دهخدا، ۱۰/ ۱۵۵۴۰.
۳۶. نام قدیم ناصره «بیت المقدس»؛ در تورات اسم جبال فلسطین است و آن در فاران در حدود روم می باشد. و گفته شده قریه ای است در ناصره بین طبریه و عکا- جزء دهم از سفر پنجم تورات- لغت نامه دهخدا، ۹/ ۱۳۳۰۹.
۳۷. «جبل فاران»، کوهی است در بیرون مکه که فاصله آن تا شهر یک روز راه است. مجمع البیان، ۲/ ۳۹۶؛ لغت نامه دهخدا، ۱۱/ ۱۶۹۲۵.
۳۸. «و ادعوا شهداءکم من دون الله إن کنتم صادقین» (البقرة، ۲/ ۲۳)؛ و گواهان خود را- در برابر خدا- برای این کار، فراخوانید اگر راست می گوید.
۳۹. «قل إنما أُنذركم بالوحي و لا یسمع الصم الدعاء إذا ما یندرون» (الانبياء، ۲۱/ ۴۵)؛ بگو: من تنها به وسیله وحی

من الخاسرين» (الأعراف، ۷/۲۳)؛ گفتند: پروردگارا ما به خویشتن ستم کردیم، و اگر ما رانبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود.

۴۳. نهج البلاغة، ترجمه سید جعفر شهیدی/ ۱۳۹.

۴۴. تفسیر نمونه، ۱۰/۳۶۳.

۴۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ۱/۲۸۱.

۴۶. الصحیفة السجادیة، ترجمه و شرح فیض الاسلام/

۱۵۲.

۴۷. شعراء، ۱۶۹ و ۱۱۸؛ قصص ۲۱؛ یونس، ۸۶.

۴۸. عدة الداعی/ ۳۹؛ جامع الأخبار، ۱۳۱؛ فلاح

المسائل/ ۲۷؛ مکارم الاخلاق/ ۲۶۹.

شما را انذار می کنم ولی آنها که گوش هایشان کر است، هنگامی که انذار می شوند، سخنان را نمی شنوند.

۴۰. «فما كان دعواهم إذ جاءهم بأأسنا إلا أن قالوا إنا كنا

ظالمين» (الأعراف، ۷/۵)؛ و در آن موقع که عذاب ما به

سراغ آنها آمد، سخنی نداشتند جز این که گفتند: ما ظالم

بودیم. ولی این اعتراف به گناه، دیگر دیر شده بود؛ و سودی

به حالشان نداشت.

۴۱. «لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا»

(النور، ۲۴/۶۳)؛ صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند

صدا کردن یک دیگر قرار ندهی.

۴۲. «قالا ربنا ظلمنا أنفسنا وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكوننَّ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی